



فلسفه کلام شیعی (امامیه)

محمدحسن قدردان قراملکی^۱

چکیده: مقاله حاضر نگاه بیرونی به علم کلام اسلامی - شیعی دارد که در آن علم کلام و مسایل آن به صورت کلی و از منظر داور بیرونی مورد تحلیل قرار می گیرد. علم کلام شیعی علمی است که به تبیین آموزه های اعتقادی، تدوین و پاسخ شبهات آن با منابع خاص خود (کتاب، سنت نبوی و ولوی، عقل) می پردازد. موضوع آن عام بوده و شامل تمام آموزه های اعتقادی می شود که ملاک آن بیشتر برگشت به وجود، صفات و افعال خدا (اعم از فعل گفتاری یا تکوینی) است. در این مقاله بعد از اشاره به خاستگاه کلام شیعی از آغاز دعوت اسلام توسط پیامبر (ص) با «حدیث الدار» و استمرار آن توسط امامان، هدف آن علم افزون بر تبیین آموزه های اعتقادی اسلام، تبیین و دفاع از مبانی و آموزه های خاص تشیع یعنی «اصل امامت» توصیف شده است. کلام شیعی با روش ترکیبی (نقلی، عقلی، جدلی، تجربی، شهودی و فطری) و با استناد به قواعد متعدد کلامی به تبیین آموزه های اعتقادی می پردازد. رابطه علم کلام شیعی با علوم مختلف (منطق، معرفت شناسی، فلسفه، اصول فقه، فقه، علوم تجربی) رابطه متقابل (تاثیر و تاثر) است. مقاله حاضر، ضمن بیان هویت معرفتی کلام شیعی، به جایگاه، ساختار منطقی، تبیین مسائل کلاسیک و جدید و تبیین حوزه های پیش نیاز، هم نیاز و پس نیاز آن می پردازد.

واژگان کلیدی: کلام شیعی، امامیه، فلسفه علم کلام، موضوع کلام شیعی، قواعد کلام شیعی

* تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۳

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۴

۱. استاد کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم، ایران، ghadrddan@yahoo.com

مقدمه

بحث فلسفه‌های مضاف مانند فلسفه اصول، فقه، هنر و فلسفه فلسفه امروزه از مباحث جدید دین پژوهی است که در دهه اخیر به صورت جدی مطرح شده است که در آن مباحث ناظر بر یک علم از نگاه و داور بیرونی مورد تحلیل قرار می‌گیرد که نوعاً شامل تعریف علم، موضوع، خاستگاه، هدف و ضرورت، منابع و روش تحقیق، رابطه علم با علوم دیگر، قواعد و مسایل و ساختار آن علم می‌شود. البته پیشینه این نوع نگاه به علوم در سنت علمی عالمان متقدم، تحت عنوان «رؤوس ثمانیه» رواج داشته است که در سنت معاصر به صورت جامع‌تر مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

درباره فلسفه علم کلام به صورت مطلق و بدون پسوندی مثل کلام اشاعره و معتزله و شیعی چندین مقاله به صورت مستقل یا در ضمن مطالب کتابی تدوین و منتشر شده است؛ اما در باره فلسفه علم کلام شیعی نویسنده به مقاله یا کتاب مستقل و جامعی دست پیدا نکرد، و نوشتار حاضر اولین مکتوب در این زمینه است که

تقدیم خواننده فاضل می‌گردد. اما این جا می‌توان از کتاب مرحوم محمد رضا کاشفی به نام «کلام شیعه، ماهیت، مختصات و منابع» به عنوان اولین کتاب در این حوزه نام برد که به برخی از زوایای مربوط به مباحث فلسفه علم کلام شیعی پرداخته است.^۱

در این مقاله نگارنده به عنوان داور بیرونی به تحلیل مباحث کلام شیعی (امامیه) از بیرون و به صورت درجه دوم خواهد پرداخت. علم کلام شیعی بر خلاف کلام اشعری که بیشتر بر نقل اتکا دارد و کلام معتزلی که تکیه اصلی آن بر عقل است، به خاطر داشتن دو منبع معرفتی غنی (نقل و عقل) و تعدد روشگان تحقیق، مهم ترین علم کلام اسلامی است که می‌تواند به صورت جامع و مستدل حقانیت دین و آموزه‌های اعتقادی آن - اعم از اسلامی و مذهبی - را تبیین، دفاع و به نقد شبهات پردازد، لذا ضروری است که کلیات این علم (تعریف موضوع، قلمرو، خاستگاه، هدف، منابع، روشگان و رابطه آن با علوم همگن) به صورت دقیق و جامع معرفی و تبیین شود.

۱. کتاب فوق تنها به تعریف کلام شیعی، خاستگاه، کلام شیعه تأثیر گذار یا تأثیر پذیر (رابطه کلام شیعی با کلام معتزلی، غالیان و اسماعیلیه) و منابع پرداخته است.

۱. تعریف علم کلام و کلام شیعی

در تعریف علوم از جمله علم کلام بیشتر تعریف به یکی از سه قسم «موضوع»، «غرض و فایده» و «روش» صورت می‌گیرد. تعاریف متکلمان هم از علم کلام مانند «علم بحث کننده از خدا، صفات و افعالش یا عقاید دینی»، «علم اثبات عقاید» و «علم عقلی، جدلی، نقلی» مصداق تعاریف فوق‌اند. از آن جا که موضوع ما نه علم کلام مطلق که علم کلام شیعی است، وارد طرح بحث تفصیلی فوق نمی‌شویم.^۱ این جا به نظر مختار خود اشاره می‌کنیم که کلام یک علم و دانش - نه آلی (ابزار) و صنعت - است که هویت معرفت زایی دارد.

مقصود و متبادر از «کلام شیعی» کلام شیعی امامیه (حقیقت کامل تشیع) است که هویت اولیه اش تبیین مسایل اعتقادی و تدوین آن است که به خاطر پسوند «شیعی» افزون بر تبیین مباحث اعتقادی مطلق اسلام از مبدأ تا معاد، به تبیین مسایل اختصاصی تشیع

۱. برای آشنایی با آرای عالمان اسلامی در تعریف کلام و تفاوت آن با کلام جدید به کتاب دوست فاضل دکتر احد فرامرز قراملکی به نام «هندسه معرفتی کلام جدید» رجوع شود و نیز: علی اوجبی، کلام جدید در گذر اندیشه ها.

مثل اصل امامت و اثبات امامت دوازده امام معصوم (ع) می‌پردازد. کلام شیعی افزون بر هویت معرفت زایی فوق الذکر، یک هویت و شأن دفاعی هم دارد و آن پاسخ به شبهات ناظر بر مسایل دینی و مذهبی می‌شود.

۲. موضوع علم کلام شیعی و قلمرو آن

در مورد اینکه هر علمی یک یا چند موضوع می‌تواند داشته باشد، دو دیدگاه مختلف وجود دارد، که تحلیل آن خود نیاز به مجال مستقلی دارد. در خصوص موضوع علم کلام دیدگاه های مختلفی چون: ذات خدا و اسماء و صفاتش، مبدأ و معاد، معلومات از اثبات عقاید دینی، عقائد دینی مطرح شده است.^۲ برخی نیز منکر ضرورت تعیین موضوع مشخص برای علم کلام شده‌اند.^۳ از آن جا که موضوع ما نه کلام مطلق بلکه کلام شیعی است، وارد بحث فوق نمی‌شویم و صرفاً خاطر نشان می‌سازیم که هر موضعی که شخص محقق در باره موضوع کلام اسلامی اتخاذ کند، همان با اصلاح مختصری در کلام

۲. تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۱، ص ۱۷۳؛ سید شریف، شرح المواقف، ج ۱، ص ۴۶؛ لاهیجی، شوارق الالهام، ج ۱، ص ۱۱
۳. مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۶۲

شیعی جاری می‌شود. مثلاً اگر منکر اصل موضوع یا منکر موضوع مشخص برای کلام باشد، بر همین مبنا کلام شیعی نیز بدان ملتزم خواهد شد؛ اما اگر موضوع واحد یا کلی و متعددی را قایل باشد، آن را با اضافه نمودن اصل امامت - چه به صورت مستقل و چه به صورت تضمینی - در منابع و مسایل تکرار خواهد نمود.

از نکات فوق الذکر روشن شد که قلمرو کلام شیعی عام بوده و شامل تمام موضوعات و مسایل اعتقادی می‌شود که فرد مسلمان شیعی باید بدان اعتقاد داشته باشد.

۳. خاستگاه، مراحل و مدارس کلام شیعی

الف. خاستگاه و پیشینه کلام شیعی

علم کلام شیعی مانند علم کلام در زمان نبوی مطرح شده است. می‌توان سرآغاز آن را به آغاز دعوت پیامبر (ص) از خویشاوندانش در منزل خود ذکر کرد. آن جا که فرمود هر کس به من اولین بار ایمان بیاورد، او جانشین من خواهد شد که به «حدیث الدار» مشهور است.

کلام شیعی بعد از رحلت پیامبر (ص) و حاکمیت خلفای مخالف تشیع، نتوانست به صورت رسمی ظهور و بروز

داشته باشد، بلکه آموزه‌های آن را در کلمات و خطبه‌های امام علی (ع) و سایر امامان می‌توان مشاهده کرد که عصر طلائع آن دوران امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است. آن دو بزرگوار توانستند با تربیت شاگردان متعدد خصوصاً متکلمانمانند هشام، قیس بن ماصر، حمران و اُحول به تقویت کلام شیعی بپردازند. امام رضا (ع) هم با استفاده از منصب ولایتعهدی و مناظره با علمای مذاهب دیگر گام دیگری در اثبات کلام شیعی برداشتند.

اما از نظر تألیف و تدوین اثر کلامی امامان شیعه رساله‌هایی در زمینه پاره‌ای از مسائل کلامی نگاشته‌اند؛ مانند رساله امام حسن مجتبی (ع) درباره مسأله قَدَر. برخی از متکلمان شیعی هم به صورت پراکنده دست به تألیف آثار کلامی برده‌اند، چنان که نجاشی گفته است: «نخستین فردی که در موضوع امامت دست به تألیف زد، عیسی بن روضه (تابعی) بود» و ابن ندیم از علی بن اسماعیل بن میثم تمار (م ۱۷۹ق) به عنوان اولین فردی که درباره امامت تکلم نمود یاد کرده، آنگاه از

تألیفات او کتاب الامامة را نام برده است.^۱ هشام بن حکم، از متکلمان شیعه در عصر امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام)، رساله‌ها و کتاب‌های بسیاری در علم کلام نگاشت که از آن جمله: کتاب الامامة، کتاب الجبر و القدر، کتاب الاستطاعة و الرد علی اصحاب الاثنین را می‌توان نام برد.

از متکلمان این دوره می‌توان به مؤمن الطاق، قیس الماصر و هشام بن سالم مؤلف کتاب‌هایی در ردّ معتزله و خوارج اشاره کرد.^۲

اما پیشینه کلام شیعی به صورت ساختار منسجم و در قالب کتاب را باید به اوایل عصر غیبت ارجاع داد که در مرحله اول آن دوره، احادیث اهل بیت در قالب ساختار جدید و کلامی تدوین یافت. پیشگامان آن کلینی (م. ۳۲۹ ق) و صدوق (م. ۳۸۱ ق) هستند که نکات کلامی خودشان را ذیل روایت طرح کرده‌اند. مرحله بعد تألیف کتاب مستقل کلامی است. ابوسهل بن نوبخت (۲۳۷-۳۱۱ ق) با تألیف کتاب التنبیه فی الامامة، ابومحمد

حسن بن موسی نوبختی (م. ۳۰۰ ق) با تألیف فرق الشیعه، ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت (قرن چهارم) با تألیف کتاب الیاقوت، شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۹ ق) و سید مرتضی (۴۳۶-۳۵۵ ق) با تألیف ده‌ها کتاب کلامی. این سیر ادامه داشت تا در قرن هفتم خواجه طوسی (۶۷۲ ق) در کتاب تجرید الاعتقاد ساختار نسبتاً جدیدی در شش مقصد ارایه داد. نکته قابل توجه این که خواجه با طرح مبانی و اصول فلسفی در کتاب خود به کلام شیعی صبغه فلسفی بخشید و این تحول تا عصر حاضر هم به قوت خود باقی است.

ب. تطورات علم کلام شیعی

علم کلام شیعی از حیث تطور ساختاری و تشکیلاتی مراحل ذیل را گذرانده است:^۳

۱. مرحله تکوین؛ عصر پیامبر اکرم (ص)؛
۲. مرحله گسترش؛ عصر خلفا تا اوایل قرن دوم قمری؛
۳. مرحله تدوین موضوعی؛ قرن دوم و سوم هجری؛ علی بن اسماعیل بن میثم تمار (م ۱۷۹ ق) و هشام بن حکم (م ۱۷۹ ق) یا (۱۹۹ ق).

۳. ر.ک: محمد صفر جریلی، فلسفه علم کلام، قیسات، بهار ۱۳۸۵، شماره ۳۹ و ۴۰؛ همو، سیر تطور کلام شیعه، ص ۴۸

۱. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۱۷

۲. ر.ک: طهرانی، الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۹۴ و ۲۲۴؛ کلینی، همان، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۴ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۹؛ امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۳۲.

مؤمنان، امام صادق و امام رضا (ع) تحقق یافته است.

۲. کلام نقلی: دوره دوم حضور تا کمی بعد از غیبت صغرا (م ۳۲۹ ق) تا شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق).

مقصود از دوره دوم حضور عصر امامت امام رضا (ع) (به ویژه در مدینه) و امامان بعد از او است.

۳. کلام عقلی: در قرن پنجم تا ششم؛ شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و...

۴. کلام فلسفی: قرن هفتم؛ خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق).

۵. کلام با غلبه اخباری‌گری: زمان علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)، محمد محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۲ ق) ...

۶. کلام با رویکردی ترکیبی از عقل، نقل و فلسفه: دوره معاصر؛ قرن چهارده تاکنون.

ج. مدارس کلام شیعی

اخیرا کلام شیعه را از حیث رشد و تکامل حجمی و کیفی به مراکز و مدارسی تقسیم می کنند که مهم ترین آنها عبارت است از:

۱. مدرسه مدینه (عصر حضور)؛

۲. مدرسه قم (رویکرد نقل‌گرا- از زکریا بن

۴. مرحله تبیین و تنظیم موضوعی؛ قرن سوم و چهارم؛ کلینی (م ۳۲۹ ق) شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) ابن قبه (قبل از ۳۱۹) و...

۵. مرحله ساختارمندی؛ قرن پنجم و ششم؛ شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و...؛ ۶. مرحله تحول و تکامل؛ قرن هفتم و هشتم؛ خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق)؛

۷. مرحله شرح و تلخیص؛ قرن نهم تا چهاردهم؛ علامه حلی (م ۷۲۶ ق) فاضل مقداد (م ۸۲۶ ق)، لاهیجی (م ۱۰۷۲ ق).

۸. مرحله اصلاح و پویایی؛ نیمه دوم قرن چهاردهم؛ سید جمال الدین (م ۱۳۱۴ ق)، علامه طباطبائی (۱۳۶۲ ش).

علم کلام شیعی از حیث تطور رویکردی مراحل ذیل را گذرانده است^۱.

۱. کلام عقلی و نقلی: عصر حضور امامان؛ کلام شیعه در نخستین مرحله، دارای صبغه عقلی و نقلی است؛ یعنی هم به تحلیل‌ها و تأمل‌های عقلی ارجح می‌نهد و هم استناد به وحی را در دستور کار خود قرار می‌دهد. اوج این رویکرد در زمان حضور امیر

۱. ر.ک: محمد صفر جبریلی، فلسفه علم کلام، قیسات، بهار ۱۳۸۵، شماره ۳۹ و ۴۰؛ همو، سیر تطور

آدم تا صدوق)؛

۳. مدرسه بغداد (رویکرد عقل‌گرا- از هشام بن حکم و نویختی‌ها تا شیخ مفید و سید مرتضی)؛

۴. مدرسه نجف (رویکرد ترکیبی نقل‌گرا و عقل‌گرا- شامل شیخ طوسی و غیره)؛

۵. مدرسه ری (رویکرد ترکیبی و اعتدالی و تقریبی- حمصی رازی از اوایل قرن هفتم ق)؛

۶. مدرسه حله (رویکرد عقلی- شامل ابن ادریس حلی، ابن میثم بحرانی، محقق حلی و علامه حلی)؛^۱

۷. مدرسه اصفهان (قرن ده به بعد، رویکرد ترکیبی- عبد الصمد عاملی بهائی، آقا جمال خوانساری، میرداماد و ملاصدرا)؛
۸. مدارس معاصر (قم، نجف، مشهد و تهران).

۴. آسیب شناسی و مخالفت های داخلی کلام شیعی

علم کلام از دوران تأسیس بل پیش از تأسیس با چالش های بیرون کلام و درونی مواجه شده است. چالش نخست انکار و مخالفت است که خود به دو طیف (اهل حدیث و فلاسفه) منشعب می شود که

طرح آن خارج از موضوع این مقاله است. ما در این جا به مخالفت ها با کلام شیعی توسط خود شیعیان اشاره می کنیم.

الف. مخالفت های داخلی با اصل کلام شیعی

مخالفت با اصل کلام در امامیه بسیار اندک بوده که به آن اشاره می شود:

۱. عصر حضور: اولین چالش و مخالفت با علم کلام به عصر حضور بر می گردد که ظاهر بعضی از روایات اهل بیت از هلاک اصحاب کلام سخن رفته و در روایاتی هم از اصحاب کلام به اهل خصومت و جدل و بدعت توصیف شده است.^۲

ظاهر این گونه روایات بر صحابه خاص امامان مثل یونس بن یعقوب صحابه امام باقر (ع) تاثیر گذار بوده است، لذا وی به آموزش علم کلام نپرداخته است. یونس وقتی از آن حضرت شنید که برای مناظره با متکلمی از اهل شام وی را به دنبال متکلمی می فرستاد و امام از عدم تعلم وی ابراز حسرت کرد. یونس علت عدم فراگیری کلام را روایات دال بر منع آن یاد می کند.^۳ نکته قابل توجه این که این ظاهرگرایی و مخالفت با عقل و علم کلام در برخی از نگره های معاصر نیز قابل مشاهده است.^۴

۴. محمود حکیمی، عقل خود بنیاد دینی؛ همشهری، آذر ۱۳۸۰، شماره ۹، ص ۴۳؛ همو، مکتب تفکیک، ص ۱۸۷، ۱۵۹

۱. رک: جبریلی، همان، ص ۶۶- ۸۴

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۵۲۱؛ عیون اخبار

الرضا (ع)، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۶

۳. کافی، ج ۱، ۱۷۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۶

اما مخالفت با علم کلام دوام پیدا نکرد، چرا که برخی از شاگردان امامان مثل هشام بن حکم، هشام بن سالم، یونس عبد الرحمن، یونس بن یعقوب و قیس بن ماصر^۱ با الهام از قرآن و تأکید امامان عملاً با تعلم علم کلام، به تبیین آموزه‌های دینی و نقد شبهات مخالفان پرداختند.^۲

۲. شهید ثانی و سید بن طاووس: این دو شخصیت از معارف قدمای امامیه محسوب می‌شوند که به مخالفت با کلام برخاستند. شهید ثانی در کتاب الاقتصاد و الارشاد، فصلی را به ممنوع بودن خواندن کلام و فصلی را به بی‌فائدگی منطق اختصاص داده است.^۳ سید ابن طاووس نیز فرزند خود را از خواندن علم کلام منع نموده و مدّعی شد که شیخ مفید و سید مرتضی نیز که به دنبال آن رفتند، از آن طرفی نیستند؛ زیرا خود این دو نیز اختلافات بسیار فراوانی در علم کلام

داشتند که مرتفع نشد.^۴

۳. محدّثین قم: در اثر تلاش‌های شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی مخالفت با کلام تا چندین قرن از بین رفت، گرچه رگه‌های آن باقی بود که در لابلای متون قرن‌های هفت و هشت گاهی از این عده با عنوان اخباریان تعبیر می‌شود.
۴. اخباریون: بار دیگر همین تفکر توسط اخباریان در قرن یازدهم احیاء شد.^۵
۵. شیخیه کریمخانیه: این فرقه شیخی در قرن سیزدهم احیاگر مخالفت با کلام بودند.

۶. قرآنیون: در سده اخیر این جریان در کشور هند توسط سر سید احمد خان هندی و در مصر به واسطه احمد صبحی منصور و محمد توفیق صدقی نویسنده کتاب الاسلام هو القرآن وحده و در پاکستان توسط عبد الله جکر الوی دوباره مطرح شد.^۶

۱. در متن کتاب اشاره خواهیم کرد علم کلام توسط انمه اطهار ترویج می‌شد که اینجا می‌توان به قیس بن الماصر اشاره کرد که کلام را از امام سجاده (ع) فرا گرفته بود، (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۲ و ۱۷۶).

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۳؛ شیخ مفید، سلسله مولفات الشيخ المفید، ج ۵، ص ۵۷

۳. شهید ثانی، الاقتصاد و الارشاد، مندرج در: حقائق الإيمان، ص ۱۷۶

۴. نقل از: شهیدی گلپایگانی، سید محمدباقر، راهنمای سعادت، ص ۳۶، ۲۲

۵. شیخ احمد استرآبادی، الفوائد المدنیه، ص ۴۷ و ۴۸

۶. بنگرید: خادم حسین الهی بخش، دراسات فی الفرق القرآنیون و شبهاتهم حول السنه، ص ۸ به بعد؛ علی نصیری، رابطه متقابل کتاب و سنت، ص ۱۹۶-۲۳۰. دکتر صادقی تهرانی صاحب تفسیر الفرقان در داخل کشور نیز موافق دیدگاه فوق است.

۷. برخی از تفکیکی‌ها: امروزه برخی از طیف‌های افراطی مکتب تفکیک نیز علم کلام را برناتافته و نهایت آن را در حد رویکرد حدیثی و اخباری می‌پذیرند.^۱

طیف دوم مخالفان علم کلام اعم از شیعی و غیر شیعی، برخی از فلاسفه‌اند که با تمسک به عقل و فلسفه با کلام مخالفت کرده و مدعی شدند کلام علمی جدلی و غیر برهانی است و عده‌ای نیز از متکلمان با عنوان «علماء الرسوم»، در مقابل «علماء الکشف و العرفان» تعبیر کرده‌اند.^۲

ب. چالش‌های درونی کلام شیعی بر حسب روشگان، منابع و محتوا

چالش دوم علم کلام به رویکرد داخلی علم کلام مربوط می‌شود که می‌توان آن را از دو حیث مختلف تقسیم کرد.

الف. چالش و تقسیم به حسب روشگان و منابع: خود متکلمان در تقریر منابع علم کلام و نیز تبیین روش علم کلام به رویکردهای متعددی چون: قرآنی، حدیثی و اخباری، عقلی، تجربی و شهودی منشعب شدند که هر کدام رویکرد خود را رویکرد حق و مطابق دین و قرآن تفسیر نموده و رویکرد دیگر را بر نمی‌تابند.

د. چالش و تقسیم به حسب محتوا:

از منظر دیگر ظهور تشیع غالی و مقصره را می‌توان چالش درونی دیگر برای تشیع اعتدالی محسوب نمود که غالیان مقام خدایی به امامان بخشیده‌اند و مقصران هم از درک مقامات ائمه ناتوان مانده و از آنان به انسان‌های پارسا و یا علمای ابرار یاد می‌کنند.

رویکرد افراطی و غالیانه به کلام شیعی موجب شده است که مخالفان تشیع با بسط آن به کل کلام شیعی آن را یک مکتب انحرافی از کتاب و سنت توصیف کنند و با تمسک به آن مانع ترویج کلام شیعه در دنیای اسلام بلکه در کل جهان گردند. از سوی دیگر رویکرد تقریپی به کلام شیعه موجب شده است که روح و فلسفه تاسیس آن از بین برود، چرا که چنین نگره‌ای به کلام شیعی موجب تقریب بیش از حد تشیع و تسنن می‌شود، بلکه می‌توان از آن به عدول از مبانی تشیع تعبیر کرد.

ه. تبیین مسئله اصلی و پرسش‌های

فرعی و فرضیه آن

سؤال اصلی تحقیق این است: تعریف و حقیقت علم کلامی شیعی با تمام ابعاد آن - اعم از مبانی، روش تحقیق، اهداف

۱. سید جعفر سیدان، مکتب تفکیک و تمایزات آن با فلسفه و عرفان، مجله سمات، شماره ۲، ص ۱۱۳ - ۱۲۷

۲. صدر المتألهین، اسفار، ج ۹، ص ۱۵۶، ۳۰۲، ۳۴۶. البته چنین به نظر می‌رسد مقصود از اصطلاح فوق بیشتر متکلمان اشاعره است که منکر اعتبار و حجیت عقل اند.

چیست؟

سؤالات فرعی به چند سؤال خرد تقسیم می‌شود که عنوان جامع آن این سؤال است:

موضوع کلام شیعی، خاستگاه، هدف، روش، منابع، قواعد و قلمرو آن چیست؟

فرضیه تحقیق هم مدعی است که کلام شیعی افزون بر داشتن تعریف کلام اسلامی، دغدغه تبیین و دفاع از مبانی و مؤلفه های مذهب تشیع «امامیه» و پاسخ شبهات آن را دارد. این جا می‌توان به اصل استمرار حجت الهی در قالب اصل امامت بعد از رحلت نبوی (ص) در دوازده امام منصوب و معصوم و نیز اعتقاد به جایگاه عقل به عنوان یکی از منابع دینی اشاره کرد.

۶. هدف و ضرورت حوزه معرفتی

هدف این تحقیق تبیین، اثبات و انسجام بخشی مسایل کلامی از مبدأ تا معادیه صورت مطلق و نیز دفاع از مبانی مذهب تشیع و امامیه با توجه به مبانی تعریف شده (کتاب، سنت نبوی و ولوی و عقل) و نقد شبهات آن است. در واقع می‌توان مدعی شد که هدف تحقیق حاضر ترکیبی است که نخست تبیین و دفاع از مبانی و مسایل کلام اسلامی به صورت مطلق و

بدون لحاظ مذهب خاص است و در عین حال تبیین و دفاع از مسایل کلامی اختصاصی کلام شیعی مثل تبیین اصل امامت، اثبات امامت دوازده امام معین و نیز اصل مهدویت و تبیین و توجیه مسایل اعتقادی در عصر غیبت از اهداف اصلی و ذاتی کلام شیعی می‌باشد.

۷. منابع کلام شیعی

برای ایجاد هر علمی افزون بر وجود انگیزه و نیاز باید منبع یا منابع آن نیز روشن شود. مثلاً علوم تجربی بیشتر از تجربه و محسوسات و علوم عقلی مثل ریاضی، منطق و فلسفه از عقل نشأت گرفته و به تعبیری تغذیه می‌کنند.

منابع علم کلام اسلامی در درجه نخست عبارت است از قرآن و سنت نبوی. امامیه افزون بر آن دو، سنت ائمه اطهار (ع)، عقل و اجماع کاشف از قول معصوم را هم به عنوان منابع دینی و کلامی به رسمیت شناختند.

لکن نکته ظریف این است که _ چه بسا مغفول هم مانده است - منابع فوق، منبع انحصاری نیستند، به این صورت که شخص دیندار با مراجعه به یک منبع از منبع دیگر مستغنی گردد، بلکه باید به هر سه رجوع شود،

چرا که آن‌ها مکمل هم دیگرند^۱. به تعبیر دیگر، قرآن یا روایت یک منبع مستقل و جزیره‌وار از منابع دیگر نیست، که با مراجعه به آن حجت بر رجوع کننده تمام شود، و نیازی به تأمل و رجوع به منبع دیگر نباشد، بلکه منبعیت منابع فوق به صورت شبکه‌ای است که اتمام حجت آنها با رجوع به منابع دیگر است. به تعبیر اصولی، حجت منابع به صورت مستقل بالفعل است، اما تنجز آن مشروط به لحاظ همه است^۲. لکن برخی از عالمان شیعی به یک منبع (قرآن یا روایات) اهتمام ورزیده و از منبع دیگر بازماندند که بحث آن در روش کلام شیعی خواهد آمد.

۸. روش علم کلام شیعی

هر علمی از یک یا چند روش برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند، علوم تجربی نوعاً از روش تجربه و محسوسات و علوم عقلی مانند فلسفه از روشگان عقلی بهره می‌برند. علم کلام نیز از این قاعده مستثنا نبوده ولی به دلایل مختلف مانند تعدد و اختلاف منابع و مخاطبان، علمی چند روشی است. متکلم در مقام تبیین و

تفسیر آموزه دینی، افزون بر نقل، از حکمت، عقل و برهان و در مقام ارایه آن به مخاطب عادی از موعظه و فن خطابه و در مقام محاجه با رقیب افزون بر برهان، از فن جدل نیز استفاده می‌کند. نیم نگاهی به آثار کلامی مثبت مدعای فوق می‌باشد.

۹. رابطه علم کلام شیعی با علوم دیگر

رابطه علم کلام شیعی با علوم دیگر همان رابطه علم کلام اسلامی است؛ علم کلام از برخی از علوم متأثر و نسبت به بعضی علوم دیگر موثر بوده است و صورت رابطه متقابل است. در این جا به تبیین سه قسم فوق رابطه علم کلام نسبت به علوم دیگر می‌کنیم^۳.

الف. کلام و منطق: علم منطق از مبادی ضروری علم کلام محسوب می‌شود. بر همین اساس، برخی متکلمان اسلامی در آغاز رساله‌های کلامی خود به طور گسترده یا مختصر به مباحث منطق می‌پردازند.

ب. کلام و معرفت‌شناسی: معرفت‌شناسی علمی است که درباره

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۲؛ همو، نزاهت قرآن از تحریف، ص ۱۰۰

۲. در صورت مراجعه دو فرض پیدا می‌شود. فرض اول این که حکم منابع دیگر با حکم منبع اول موافق یا حداقل غیر مخالف و ساکت است که در این جا حکم منبع اول

معتبر خواهد بود. فرض دوم تخالف و تعارض حکم منابع است که در اینجا بحث تعارض پیش می‌آید که بحث آن در ادامه کتاب خواهد آمد.

۳. در تدوین بحث رابطه علوم و کلام از مقاله دوست فاضلم جناب جبرئیلی بهره بردم.

شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع و تعیین ملاک صحّت و خطای آن‌ها بحث می‌کند. بسیاری از مباحث علم کلام نیز گزاره‌های اخباری، واقع نما و حکایتگر از خارجند. مهم‌ترین غایت آن شناخت باری تعالی و صفات او بوده و طبیعی است که برای فهم آن گزاره‌ها و تشخیص صدق و کذب آن‌ها باید با شناخت ابزار و حدود آن آشنا شد که آن هم در گرو آشنایی با علم «معرفت‌شناسی» است، به همین جهت این علم در واقع بر همه علوم و از جمله علم کلام تقدم دارد؛ زیرا تا نظریه معرفت حل و مقدار نیل بشر به شناخت خود تبیین نشود، هرگز طرح مسائل فلسفی-کلامی سودی ندارد؛ زیرا کسی که می‌پندارد جهان قابل شناخت نیست و کسی که در این وهم متحیر است که شناخت هیچ چیز غیر تجربی میسر نیست، ارائه مسائل عقلی که به پذیرش اصل شناخت مسبوق است، برای او نفعی ندارد (جوادی آملی، ج ۱۳، ص ۲۱).

ج. کلام و فلسفه: فلسفه علمی است که از احوال موجود مطلق و به تعبیری دیگر از احوال کلی وجود بحث می‌کند. بر همین اساس، کلام از دو جهت به فلسفه نیاز دارد:

۱. **جهت موضوع:** از آنجا که موضوع فلسفه (وجود مطلق) در مقایسه با موضوع علوم دیگر عمومیت دارد، همه علوم و از جمله علم کلام در اثبات موضوعشان نیازمند فلسفه‌اند؛ یعنی علم کلام در تصدیق و علم به موضوعش که همان (خدا و صفات ذات و فعل او) باشد، به فلسفه نیاز دارد (لاهیجی، همان: ج ۱، ص ۸۶).

البته علمی که موضوع آن‌ها بدیهی نباشد از این جهت نیازمند فلسفه هستند (صدرالدین، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۵ «تعلیقه علامه طباطبایی»); برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که وجود خدا بدیهی است و به برهان و دلیل نیازی ندارد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۹: ص ۱۶۹؛ طباطبایی، بی‌تا: ج ۸، ص ۳۴۱); بنابراین، علم کلام از این جهت که موضوعش بدیهی است هیچ نیازی به فلسفه نخواهد داشت.

۲. **مبادی و مقدمات:** بسیاری از مسائل فلسفی از مبادی استدلال‌های کلامی بوده که نقش تعیین‌کننده‌ای در بحث‌های کلامی ایفا می‌کنند. شاید به آسانی بتوان در آثار شیخ مفید (۴۱۳ق) به بعد، این نمود را مشاهده کرد. هر چند در دوره خواجه نصیر (۷۲۶ق) جلوه‌ای بیشتر

یافت و در حکمت متعالیه ملاصدرا (۱۰۵۰ق) به اوج خود رسید. این جا می توان به طرح مبانی و اصول فلسفی مانند اصالت وجود، تشکیک در وجود، وحدت و اقسام آن، علت و معلول، امتناع دور و تسلسل در ابتدای آثار متکلمان قرن چهارهم به بعد مثل شیخ مفید در اوائل المقالات بخشی را با عنوان «اللطیف من الکلام»، نوبختی (ق ۵ و ۶) در الیاقوت و ابن میثم بحرانی (۶۷۹ق) در قواعد المرام اشاره کرد.

د. کلام و علوم تجربی: علم کلام افزون بر این که می تواند مسأله ای را با استفاده از مبادی عقلی و استدلالی تحقیق و بررسی کند، از روش تجربی نیز بهره می گیرد و شاید در مواردی نتایج کلامی منوط به استفاده از علوم تجربی باشد؛ به ویژه اگر بخواهد از طریق برون دینی به اثبات گزاره های دینی بپردازد. چند نمونه ذیل می تواند بیانگر این رابطه باشد.

۱. کارکرد دین و دینداری: در این که اصل دین و دینداری برای بشر و جامعه بشری فایده دارد، به طور قطع یکی از راه های اثبات آن استفاده از علم تجربی، آزمایشگاهی و آماری است.

۲. اثبات خدا: در برهان «نظم» و «اتقان صنع» از علوم تجربی، مشاهده،

تجربه و آزمایش بهره برده می شود. ۳. فلسفه احکام: بحث از فلسفه احکام در قلمرو علم کلام است؛ اما اثبات و تبیین فلسفه و حکمت برخی از احکام در گرو استفاده از علوم تجربی است؛ برای مثال، فریضه روزه که با استفاده از علوم پزشکی و حتی روان شناسی آثار سودمند آن بر جسم و روان شخص معلوم می شود.

ه. کلام و اصول فقه: طرح مباحثی از علم کلام که تصدیق پاره ای از مسائل علم اصول فقه بر آن ها توقف دارد. این گونه مباحث، به «مبانی کلامی اجتهاد» یا «مبادی کلامی» نام برده می شود که اهم آن ها عبارت از:

۱. حسن و قبح عقلی ۲. تلازم بین حکم عقل و شرع ۳. قبح تأخیر بیان از وقت حاجت و خطاب ۴. قبح عقاب بدون بیان ۵. قبح خطابی فاقد معنا ۶. شرایط حسن فرمان های الهی ۷. تکلیف ما لا یطاق ۸. حجیت کتاب و سنت ۹. قاعدة لطف ۱۰. عصمت پیامبر و امام ۱۱. نظر و علم حاصل از آن ۱۲. حکمت الهی.

و. کلام و فقه: این علم از چند جهت متأثر از «علم کلام» و متفرع بر آن است.

۱۰. قواعد کلامی

مقصود از قاعده کلامی اصل و ضابط کلی است که از آن فروع متعدد کلامی استنتاج می شود، مثلاً حکمت الهی یک اصلی است که در پرتو آن، خلقت جهان و انسان توسط خداوند از حیث غایتمندی یا ناغایتمندی (عبث)، غایتمندی و تنزه آن از فعل عبث اثبات می شود. هم چنین خروجی دیگر قاعده فوق، ضرورت وجود معاد و جهان دیگر بعد از دنیاست. این جا ما به ذکر عناوین قواعد کلامی بسنده می کنیم.

۱. حسن و قبح عقلی ۲. اصل لطف
۳. وجوب اصلاح - نظام احسن ۴.
- حکمت ۵. عدالت ۶. وجوب الوجود
- بالذات ۷. وجوب دفع خطر و ضرر
- محتمل ۸. رجوع جاهل به عالم ۹. قبح تکلیف و عقاب بلا بیان ۱۰. قبح تکلیف و عقاب مالایطاق (ناتوان) ۱۱. قبح تقدیم مفضل بر فاضل ۱۲. توحید افعالی، اصل علیت و الواحد

۱۱. مسایل کلام شیعی

قبل از ورود به تبیین مسایل کلامی و ساختار آن به چند نکته اشاره می شود.

الف. ترابط مسایل علم با موضوع آن

مسایل هر نوعا به موضوع و عوارض

۱. جهت موضوع (وجود اصل تکلیف):

۲. مبادی و مقدمات: اثبات حسن تکلیف و شرایط آن، مواد و مقدماتی در علم کلام صورت می گیرد.

۳. غایت: غایت فقه نیت خالص مکلف و قرب الهی است که شناخت آن در علم کلام میسر می شود.

۴. منابع و مدارک: تا حقانیت قرآن و حجیت سنت در علم کلام ثابت نشود، نوبت استناد و استنباط از آنها در فقه فراهم نمی آید.

ز. تفسیر و کلام: تفسیر در امور ذیل مدیون علم کلام است:

۱. موضوع: اثبات حقانیت قرآن و صدق آورنده آن بر عهده علم کلام است.

۲ و ۱. موضوع و منابع: موضوع تفسیر «کلام الهی» و منابعش قرآن، سنت و عقل (جوادی آملی: ج ۱، ص ۵۶ و ۵۷) است. تبیین و اثبات حقانیت قرآن و حجیت سنت را متکلم در علم کلام به انجام می رساند؛ البته بعد از تثبیت صدق ادعای پیامبر اکرم (ص) اعجاز قرآن مجید، مصونیت آن از تحریف که بیانگر حقانیت آن نیز هست، حجیت قرآن مجید ذاتی خواهد بود (همان: ص ۱۰۹ و ۱۱۰).

آن ناظر است. این قاعده در علم کلام هم جاری است؛ لذا اگر ما موضوع علم کلام را خدا و صفات و افعالش بیانگاریم، بالتبع مسایل آن نیز باید چنین خصوصیتی داشته باشد و اگر از مسایل غیر خدا هم بحث می کند، باید آن ها به نحوی به موضوع خود قابل ارجاع باشند؛ مثلاً بحث وجود شناسی و احکام آن به عنوان فعل خدا یک مسأله کلامی محسوب می شود. اما اگر موضوع کلام را وجود تلقی کنیم، مسایل آن هم عام خواهد بود که خدا به عنوان مصداق کامل وجود از مسایل اصلی کلام قرار می گیرد.

ب. اشتمال مسایل کلامی بر حقیقی و اعتباری:

علوم از جمله علوم انسانی در یک تقسیم بندی به علوم حقیقی (ناظر به واقعیت های خارجی و داشتن ملبازاء خارجی) و علوم اعتباری (فقدان مابازاء خارجی و اختصاص به احکام ذهنی و قراردادی مثل علوم اقتصاد، ادبیات، حقوق) تقسیم می شوند. قسم اول خود به دو قسم گزاره های ناظر بر حقایق و واقعیت های خارجی و به عبارتی «بود= هستی» و «نبود= نیستی ها» و گزاره های ناظر بر «بایدها و نبایدها»، «ضرورت فلسفی» و به تعبیری به دو بخش

گزاره های اخباری و انشائی (ارزشی و اعتباری) منشعب می شوند. مباحثی چون: خدا شناسی، راهنما شناسی، جهان شناسی، انسان شناسی، فرجام شناسی از واقعیت ها و حقایق عینی حکایت می کنند. برخی از مسایل کلامی مثل: وجوب نظر بر ادله خداشناسی و راهنما شناسی، وجوب اعتقاد و ایمان به خدا و رسولان الهی و تبعیت از آنها از مسایل ارزشی و انشائی کلامی است که در علم کلام- هر چند با حجم کمتر- مورد بحث قرار می گیرند.

اما در باره مسایل و مباحث قسم دوم (اعتباری) باید گفت چنین مباحثی در علم کلام خصوصاً کلام سنتی خیلی کمتر مورد توجه متکلمان قرار گرفته است. از این دست مسایل می توان به تسعیر (قیمت گذاری اجناس)، گران و ارزان فروشی، احتکار، تکلیف و شرایط آن، اشاره کرد. برخی از مسایل هم مانند اصل حسن و قبح مورد اختلاف بوده و برخی آن را عقلی و حاکی از مصالح و مفاسد ذاتی فعل خارجی می انگارند (اکثر متکلمان معتزله و امامیه^۱) و اشاعره منکر عقلی بودن آن شدند^۲. فلاسفه هم آن را به اعتبار عقلا

۱. لاهیجی، گوهر مراد، ص ۳۴۳، همو، سرمایه ایمان،

۲. تقنازانی، شرح المقاصد، ج ۴، ص ۲۸۳؛ نهاییه

الاقدام فی علم الکلام، ص ۲۱۲

حضرت با براهین عقلی و نیز اعجاز در صدد اثبات صدق نبوت الهی خود بر آمدند.

از منظر درونی اولین مسأله کلامی، مسأله امامت و تعیین جانشینی است.

۳. امامت و خلافت: در عصر حضور شخص پیامبر (ص) به برکت وجودشان و هیمنه و ارتباطشان با عالم غیب، مسایل کلامی با تبیین آن حضرت فیصله می‌یافت. اما اختلاف در حوزه دین و از جمله اعتقادات بیشتر بعد از رحلت آن حضرت بروز و ظهور یافت. در این مورد می‌توان به مسأله جانشینی حضرت اشاره کرد که اهل سنت منکر تعیین قطعی آن شدند، اما شیعه مدعی آن هستند. نکته قابل ذکر این که شیعیان در باره تعداد امامان معصوم و اسامی آنان به فرقه‌های متعدد منشعب شدند که کامل ترین آنها، شیعه دوازده امامی (امامیه) است.

۴. صفات خدا: شیعه در باره صفات خدا به عینیت، اشاعره به تغایر قایل است و به معتزله هم نظریه نیابت نسبت داده شده است.

۵. قضا، و قدر الهی و جبر و اختیار

استناد داده اند^۱ که بنابر نظر اول از سنخ مسایل تکوینی و حقیقی و بنابر نظر دوم و سوم از سنخ امور اعتباری خواهد بود.

ج. مسایل کلامی متقدم و مورد اختلاف

مسایل کلامی مورد ابتلای عصر نبوی و بعد از آن را می‌توان از دو منظر بیرونی و درونی تبیین کرد.

از منظر بیرونی پیامبر (ص) با دو مسأله مواجهه داشتند:

۱. توحید ربوبی و افعالی: از منظر بیرونی مخاطبان و مخالفان حضرت مردمان شبه جزیره عربستان بودند که به خدای خالق ایمان داشتند، ولی شرکشان در تسلیم و اداره جهان بود که آن را به خدایان مادون و بت‌ها تفویض کرده بودند. پیامبر (ص) برای زدودن این نوع شرک با آیات متعدد و روایات دیگر کوشید توحید ربوبی و افعالی را به مشرکان اثبات کند.

البته در عصر رسالت نمایندگان یهود و مسیحیت از آن حضرت در باره صفات خدا و وحدت آن و نیز ادیان سوالاتی را در مناظرهای کلامی‌شان مطرح می‌کردند^۲.

۲. نبوت خاصه: مسأله دوم کلامی در مواجهه حضرت با مخالفان- اعم از مشرکان، یهود و مسیحیت- نبوت است که

۲. بحار، ج ۳، ص ۳۰۴

۱ طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۹۵؛ مطهری، مجموعه

آثار، ج ۱، ص ۵۵، ۷۶

انسان: در این باره مسلمانان به چهار دیدگاه عمده (جبر اهل حدیث، تفویض مفوضه، کسب اشاعره، امر بین الامرین شیعه) منشعب شدند.

۶. تعریف ایمان و کفر: تعریف ایمان و کفر و ارکان آن دو از مباحث اختلافی است که نتایج اجتماعی بسیاری مثل حکم به قتل و تکفیر در پی خود بین فرق و مذاهب کلامی داشته است. متکلمان و از جمله عالمان شیعه از ایمان تعاریف مختلف ذیل را ارائه نموده‌اند:

الف. تصدیق قلبی بدون اعتبار اقرار زبانی^۱؛ ب. اقرار زبانی و تصدیق قلبی^۲؛ ج. اقرار زبانی، تصدیق قلبی و انجام طاعات^۳.

علامه طباطبایی مقصود از تصدیق در ایمان را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که نتیجه آن، ظهور و سریان آثار معرفتی و عملی ایمان در روح انسان و التزام فرد مؤمن به لوازم آن باشد^۴.

نکته دیگر در تفسیر ایمان، توجه به

متعلق آن است که وجه مشترک آن بین مذاهب اسلامی، «خدا»، نبوت و «آخرت» است. اما متکلمان امامیه تصدیق به امامت عامه و خاصه را هم بر متعلق ایمان افزوده‌اند که در پرتو آن بحث تعداد اصول دین مطرح می‌شود؛ لکن برخی دیگر از امامیه بر این اعتقادند که اصل امامت همان اعتقاد به نبوت و تصدیق آموزه‌های آن از جمله امامت است^۵، لذا اصل امامت نه از اصول دین که از اصول مذهب بشمار می‌آید^۶.

از تعریف ایمان، تعریف کفر هم ظاهر می‌شود که فقدان یک رکن یا ارکان ایمان در شخصی موجب اتصاف وی به کفر می‌شود.

۷. فاعل گناه کبیره: خوارج مرتکب گناه کبیره را کافر و واجب القتل دانستند، معتزله وی را بین مؤمن و کافر «منزله بین المنزلتین»، اشاعره و شیعه چنین شخصی را مؤمن فاسق توصیف کردند.

۸. عصمت انبیاء: اصل عصمت

۵. کاشف الغطاء، اصل الشیعه و اصولها، ص ۱۰۱-

۱۰۴؛ خمینی (امام)، سید روح الله، کتاب الطهاره، ج

۳، ص ۳۲۲

۶. برای توضیح بیشتر ر. ک: قدردان قراملکی، کلام

فلسفی، فصل امامت از اصول مذهب، ص ۱۷۹، ۱۹۲،

۲۰۷

۱. سید مرتضی، الذخیره، ص ۵۳۶؛ حمصی رازی،

المنتقد من التقليد، ج ۲، ص ۱۶۲

۲. خواجه طوسی، رسایل، ص ۴۶۶؛ فاضل مقداد،

ارشاد الطالبین، ص ۴۳۶؛ حلی، انوار الملکوت، ص

۱۷۹

۳. تفسیر التبیان، ج ۶، ص ۳۴۹

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۹۳؛ ج ۱۵، ص ۱

انبیاء در مقام أخذ وحی، حفظ و ابلاغ آن تقریباً مورد اتفاق مذاهب اعتقادی است، اما شیعه آن را به تمام رفتار فردی، اجتماعی و دینی و قبل از نبوت و بعد از آن جری داده است، اما اهل سنت آن را به مقام نبوت اختصاص داده‌اند.

۹. حسن و قبح عقلی: شیعه و معتزله قایل به ادراک حسن و قبح عقلی و فاعل حسن را مدح و فاعل قبیح را ذمّ نموده‌اند. نکته قابل ذکر این که اصل حسن و قبح عقلی مبتنی بر وجود مصلحت و مفسده در افعال و اشیای خارجی مثل شرب خمر است که مقام ثبوت محسوب می‌شود و در مرحله بعد عقل به ادراک آن دست پیدا می‌کند که مقام اثبات و حسن و قبح عقلی است.

این رد حالی است که اشاعره ملاک حسن و قبح را فقط امر و نهی خدا می‌انگارند که نتیجه آن انکار حسن و قبح در هر دو مقام فوق (ثبوت و اثبات) است.

۱۰. حدوث و قدم کلام الهی (قرآن):

آیا قرآن امر حادث و مخلوق است یا ازلی و قدیم است؟ این مسأله از مسایل اختلافی شدید بین اصحاب حدیث (قایل

به قدم) و معتزله (قایل به مخلوق بودن) در اوایل قرن دوم بود، به طوری که هر طیفی مخالفان خود را تکفیر می‌کردند. اشاعره به دلیل اشکال در دیدگاه قدم قرآن با همین الفاظش، دیدگاه قدم قرآن نفسی مشابه کلام نفسی را در پی گرفتند؛ اما شیعه وارد این بحث نشده و در رویات به صورت صریح به آن نپرداخت، هر چند از مفهوم آن‌ها مانند اختصاص صفت قدیم به ذات الهی، مخلوق بودن قرآن استفاده می‌شود.^۱

د. تطورات کمی و کیفی مسایل کلام

شیعی

پیش تر اشاره شد که مسایل کلامی در عصر حضور پیامبر (ص) اندک بودند، لکن با مرور زمان و ایجاد پرسش‌های مختلف اعتقادی و پاسخ‌های لازم در این خصوص بر تعداد مسایل افزوده می‌شد. به عنوان نمونه به مقایسه مطالب سه کتاب مهم کلامی در سه دوران (تدوین کتاب شیعی، دوره میانه و معاصر) می‌پردازیم.

- کتاب الیاقوت فی علم الکلام ابن نوبختی

این کتاب که از کتب مهم و اولین کتب کلامی شیعه محسوب می‌شود، در نسخه چاپ شده مطالب آن به ۶۷ صفحه

۱. بحار، ج ۵۰، ص ۲۵۸؛ سبحانی، الالهیات، ج ۱،

کتاب الیاقوت مختصر مطرح شده است، به گونه ای که به جای عنوان «معاد»، عنوان «اعاده» در چهار سطر آمده و مقداری از بحث آن ذیل عنوان «عدل» مطرح شده است؛ در حالی که خواجه به بحث معاد اهتمام بیشتری داشته و در آن مسایل متعددی چون: امکان معاد، ثواب و عقاب، احباط، عذاب، عفو، شفاعت، توبه، قبر، میزان، صراط، حساب، بهشت و جهنم را به تفصیل تبیین نموده است.

- کتاب الالهیات آیه الله سبحانی

کتاب الهیات فی الکتاب و السنة از متکلم معاصر استاد سبحانی است که از حیث کمی نسبت به کتاب خواجه حدود پانزده برابر آن در چهار مجلد است. جلد اول آن به خدا شناسی (طرق معرفت، اسماء و صفات ثبوتیه)، جلد دوم آن به صفات سلبیه، قضا، قدر، بداء و عدل اختصاص یافته است. مؤلف در جلد سوم به تفصیل بحث نبوت عامه و خاصه را پی گرفته است. آخرین مجلد به امامت و عقاید امامیه (تقیه، عدالت صحابه، عدم تحریف قرآن، نکاح متعه) و معاد اختصاص یافته است.

تعداد عناوین کلی مسایل کلامی در عصر حاضر از صد عنوان عبور کرده است که خود این عناوین به دهها مسأله خرد منشعب می شوند. مثلاً ذیل عنوان «خدا»

می رسد. اولین موضوع آن سه موضوع هستی شناسی (جوهر و عرض؛ حدوث عالم و موجودات) است که در حکم مقدمه و امور عامه برای خدا شناسی محسوب می شود. مؤلف بعد از آن بحث اثبات صانع، صفات و عدل را مطرح کرده است. مباحث بعدی شامل: افعال قلوب (علم و ادراک)، تکلیف، وعده و وعید، نبوت، عصمت انبیاء، اعاده معدوم (معاد)، عنوان کلی «متفرقه» (امر به معروف و نهی از منکر، أجل، قیمت گذاری، رزق و امامت).

- کتاب تجرید الاعتقاد خواجه طوسی

این کتاب به صورت رسمی علم فلسفه را وارد علم کلام کرده است و به دلیل اهمیت محتوایی و عبارتی آن مورد استقبال متکلمان نامی اهل سنت و تشیع قرار گرفته است و دهها شرح بر آن تدوین شده است. از نظر حجمی کتاب فوق بیش از سه برابر کتاب الیاقوت ابن نوبختی است.

با نگاهی به عناوین هر دو کتاب ما شاهد عناوین مشترک مثل: امور عامه (جوهر و عرض، وجود)، اثبات صانع، نبوت، امامت، معاد هستیم، اما در کتاب دوم عناوین دیگری مانند بعثت، اعجاز، وعده و وعید، ایمان و کفر برجسته شده است.

نکته قابل ذکر این که بحث معاد در

مسایل خرد مانند امکان شناخت خدا و صفاتش (پیدایش سه نظریه تشبیه، تعطیل و جمع در عین تنزیه) مطرح می گردد. در صورت قول به امکان شناخت خدا، درباره قلمرو شناخت، مسایل ذیل می تواند طرح شود: امکان شناخت تفصیلی ذات خدا یا عدم آن، امکان شناخت اجمالی ذات خدا و عدم آن، امکان شناخت تفصیلی صفات ذاتی خدا و عدم آن، امکان شناخت تفصیلی یا اجمالی صفات فعلی خدا.

از نظر تطورات کمی و کیفی می توان به آثار نگارنده مقاله در حوزه خدا شناسی اشاره کرد که در یک موضوع خاص یازده کتاب ذیل منتشر شده است.

۱. خدا در تصور انسان ۲. اَسْمَاء و صفات خدا ۳. خدا در حکمت و شریعت ۴. پاسخ به شبهات کلامی (دفتر اول: خدا شناسی) ۵. پاسخ به شبهات کلامی (دفتر دوم: عدل الهی) ۶. خدا و مسأله شر ۷. علم و اراده الهی ۸. راز خلقت و بقا (رابطه خدا و جهان) ۹. قاعده الواحد از منظر متکلمان ۱۰. توحید ذاتی و وحدت وجود ۱۱. فاعلیت خدا.

تطورات کیفی مسایل کلامی از همان

عصر رسالت مطرح بوده است، این جا از منظر قرآنی می توان به تقسیم آیات قرآن کریم به ظواهر و بواطن اشاره کرد که فهم بواطن طبق صریح آیات به راسخان در علم اختصاص دارد^۱. آنان با توجه به گذر زمان و رشد مخاطب، بخشی از معارف باطنی را به مخاطبان خاص افاضه می نمودند و آنان نیز به مخاطبان دیگری که صلاحیت داشتند، معارفی را منتقل می کردند. از این رو در روایات، فهم احادیث اهل بیت به «صعب مستصعب» و دشواری متصف شده است که به انسان های مؤمن و امتحان شده اختصاص دارد^۲. این جا می توان به معرفت دینی دو صحابه «سلمان و ابوذر» اشاره کرد که پیامبر (ص) فرمود که اگر ابوذر به آن چه در قلب سلمان می گذرد، مطلع می شد، وی را به قتل می رساند^۳. رشد و تکامل معارف دینی در آخر الزمان هم پیش بینی شده است، چنان که از امام سجاد (ع) گزارش شده که ایشان در پاسخ از حقیقت توحید با اشاره به ژرفای آیه شریفه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و آیات دیگری از سوره حدید، تاکید فرمودند چون خدا می داند در آخر الزمان گروه هایی

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۰۱

۱. آل عمران: ۷؛ نساء: ۱۶۲

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۰۱

دارای اندیشه عمیق و ژرف ظهور خواهند کرد، آیات فوق را نازل فرمود^۱.

نکته قابل ذکر این که تطورات کیفی علم کلام مرهون عوامل مختلف از جمله توجه به منابع متعدد (کتاب، سنت و عقل) و رابطه متقابل کلام با علوم همگن خود مانند فلسفه و عرفان است که از اهتمام و توجه به این عوامل ما شاهد ظهور امثال سلمان و هشام و از عدم توجه بدان شاهد تکثر متکلمان با مشرب ابوذر خواهیم بود.

۱۲. ساختار کلام شیعی

مسایل کلامی در کلام شیعی مانند سایر کلام‌ها دوره‌های ذیل را گذرانده است:

۱. طرح مسایل بدون طبقه بندی

۲. موضوع و طبقه بندی اولیه: به مرور زمان و ازدیاد مسایل کلامی و نیز اقتضای علم‌انگاری کلام، متکلمان شیعی مباحث کلامی خود را در قالب چند فصل و بخش و به اصطلاح خودشان «باب» و «مقصد» ساختارمند نمودند. ملاک تفکیک موضوعات و مسایل کلیدی کلامی مثل مباحث خدا، نبوت و امامت، معاد، عقل بود. از اولین آثار در این زمینه می‌توان

به آثار حدیثی کلینی، ابن الصفار و صدوق اشاره کرد که نویسندگان با جمع‌آوری احادیث اعتقادی ذیل موضوع خاص و ابراز دیدگاه کلامی نویسندگان عملاً کتب حدیثی فوق نقش آثار کلامی را ایفا می‌کردند.

۳. دو بخشی کردن ساختار کلام (امور عامه و خاصه): مرحله دیگر، مرحله‌ای بود که متکلمان با آثار فلسفی آشنا شدند و معتقد بودند که مسایل فلسفی در تبیین مسایل کلامی نقش مقدماتی و مبانی را به عهده دارند، لذا آموزش آن‌ها را به عنوان یک علم مقدماتی امر لازم انگاشتند؛ از این رو برای اطمینان بیشتر از تعلم علم فلسفه، آن را در ابتدای کتب کلامی خودشان طرح کردند. از این نمونه کتاب‌ها می‌توان به الیاقوت فی علم الکلام لبواسحاق نوبختی و تجرید الاعتقاد خواجه طوسی (۶۷۲ق) اشاره کرد.

نکته قابل ذکر این که مباحث وجود شناختی در میان متکلمان متقدم مانند هشام، ابوالهذیل و نظام مطرح بوده است^۲، و شامل:

۱. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُّتَعَمِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْآيَاتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ»، (کافی، ج ۱، ص ۹۱).

۲. قاضی عبد الجبار، المنیه و الامل، ص ۴۴؛ جاحظ، الحيوان، ج ۴، ص ۲۱۰؛ همو، رسائل جاحظ، ص ۱۲۹؛ کلینی، کافی، ج ۵؛ ابوالحسن اشعری، مقالات الإسلامیین، ص ۶۲

معرفت شناسی، طبیعت شناسی می شود^۱ که متکلمان^۲ نوعاً آن را در ابتدا کتاب به عنوان «مقدمه الکلام»، «لطیف الکلام» و «دقیق الکلام» مطرح کرده اند^۳. برخی نیز دست به تألیفاتی زدند که کتاب ابومحمد حسن بن متویه با نام «التذکره فی لطیف الکلام» از آن موارد است^۴.

با این وجود در ساختار بخش دوم (الهیات) نوآوری جدیدی به وجود نیامد. بر این اساس موضوع «خدا»، «نبوت»، «امامت» - در کلام شیعی - و «معاد» از موضوعات و سرفصل های مشترک همه متکلمان بوده است. در کنار موضوعات فوق مباحث دیگری مانند «عدل»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «وعده و وعید»، «الافعال» اضافه

۱. برخی از محققان مباحث مطرح در کلام لطیف را به سه قسم: معرفت، جهان و فعل شناختی (شناخت فعل فاعل و علت از حیث مخترع، مباشر و متولد) تقسیم کرده اند، (محمد تقی سبحانی، رضا برنجکار و منتظری، چیستی لطیف الکلام و جایگاه آن در دانش کلام، تحقیقات کلامی، زمستان، ۱۳۹۶) که مباحث قسم سوم قابل ارجاع به جهان شناسی (ویژگی جهان از حیث حاکمیت نظام علیت یا انکار آن و به تبع آن فاعلیت انسان) است، اما بحث شناخت فاعلیت خدا، آن به مباحث جلیل الکلام ملحق می شود.

شده اند. فصول فوق با لندک تغییراتی تا زمان حاضر هم حفظ شده است، اما با اضافه شدن مسایل جدید کلامی به کلام برخی موضوعات جدیدی مانند انسان شناسی، جهان شناسی هم ضمیمه موضوعات کلامی شده اند.

۴. تک بخشی شدن کلام: اشاره شد که از زمان نوبختی تا حدود قرن یازدهم در اکثر کتب کلامی مباحث الهیات عامه جایگاه خودش را حفظ کرده بود، اما به نظر می رسد با شیوع فلسفه و اطمینان متکلمان از این که اهل کلام مسایل فلسفی را از آثار اختصاصی فرا خواهند گرفت، برخی از متکلمان نامی مانند فیاض لاهیجی در دو کتاب معروفش «سرمایه ایمان» و «شوارق الهمام» مبحث امور عامه

۲. نکته قابل ذکر این که در برخی از منابع به جای اصطلاح فوق، عبارت «اللطیف من الکلام» یا «الدقیق من الکلام» بکار رفته است، (ابواسحاق نوبختی، الیاقوت فی علم الکلام، ص ۱۲؛ شیخ مفید، اوایل المقالات، ص ۹۵ و ۱۳۸؛ سید مرتضی، المخلص فی اصول الدین، ص ۲۶؛ قاضی عبد الجبار، المغنی، ج ۱۲، ص ۱۵۴).

۳. برای توضیح بیشتر ر.ک: محمد تقی سبحانی و برنجکار و منتظری، چیستی لطیف الکلام و جایگاه آن در دانش کلام، تحقیقات کلامی، زمستان، ۱۳۹۶.

۴. طبقات المعتزله، ص ۱۱۹.

برخی از مسایل هم مانند انسان شناسی در کلام سنتی طرح نشده است؛ لذا با توجه به قلمرو آن ساختار ذیل قابل تامل است.

الف) ساختار پیشنهادی برای علم کلام شیعی

- مباحث معرفت شناسی (مبانی معرفت شناختی - معرفت شناسی کلامی)
- وجود شناسی و احکام آن (مبانی هستی شناختی - هستی شناسی کلامی)
- منابع دین و نسبت آن ها با یکدیگر (کتاب، سنت نبوی، سنت ولوی، عقل، اجماع)
- قواعد کلامی
- مبدأ شناسی
- انسان شناسی
- نبوت
- تشیع، امامت و مهدویت و آینده بشریت
- معاد شناسی
- مسایل جدید کلامی

ب) ساختار پیشنهادی برای کلام جدید

مسایل کلامی بدون ساختار امروزه یا ذیل آثار کلامی و یا به صورت مستقل بدون ساختار منطقی ارایه می شود، لذا ما شاهد کتب مختلف با عنوان کلام جدید اما بدون ساختار منطقی هستیم. به دلیل اهمیت این موضوع ساختار ذیل برای کلام جدید

را از مباحث کلامی حذف کرد. این شیوه امروزه هم جاری و ساری است. نکته قابل تأمل در ساختارهای موجود در کلام به صورت مطلق - اعم از شیعی و غیر شیعی - این است که این روش باید آسیب شناسی شود و در صورت لزوم بر آن ساختار و طرحی نو انداخته شود.

۱۳. ساختار پیشنهادی بر حسب حوزه و قلمرو (ده ضلعی)

اشاره شد که ساختار چند بخشی علم کلام از دوره تأسیس تا زمان معاصر، ساختار جدیدی نداشته است اما آیا ساختار فوق با توجه به گسترش علم کلام و مخاطبان آن، ساختار منطقی و مناسبی است، به گونه ای که هدف کلام (تبیین، دفاع و پاسخ از شبهات) را تأمین کند؟ و اگر در این زمینه آسیبی هم باشد، معلول عوامل دیگر چون عدم قابلیت متعلمان و معلمان و عدم وقت کافی و اشتغالات متعدد است یا این که ساختار سنتی هم در عدم دسترسی علم کلام به اهدافش دخیل است و لذا باید طرحی نو انداخت؟

بررسی هر دو فرضیه نیازمند آسیب شناسی اصحاب کلام است. در این جا به پیشنهاد نگارنده در ارائه ساختار جدید بسنده می کنیم.

کلام از مسایل متعدد بحث می کند و

- پیشنهاد می شود.
- **درباره دین**
- تعریف و چیستی دین ذاتی و عرضی
- دین (گوهر و صدف دین)
- نیاز به دین
- منشأ دین
- علت گرایش به دین
- دین و ایمان (فیدیسم)
- انتظار بشر از دین
- قلمرو دین
- علت دینداری
- کارکردهای دین
- اهداف دین
- کمال، جامعیت و جاودانگی دین
- عبادات، مناسک و شعائر دین
- دین و تجربه دینی
- دین واحد یا متکثر (پلورالیسم)
- **معرفت دین**
- فهم پذیری گزاره های دین
- معنا داری و تحقیق پذیری گزاره های دینی (امپریسم و پوزیتیویسم)
- زبان دین
- تطور و تحول معرفت دینی (نسبیت و قبض بسط معرفت)
- هرمنوتیک
- قرائتهای مختلف از دین
- منابع و مدارک معرفت دینی (نقش وحی، عقل و فطرت، تجربه و حس)
- **سوم: نسبت دین با علوم و مقولات دیگر**
- **چهارم: مدعیات و آموزه های دینی**
- در باره خدا
- نبوت و وحی
- جهان و هستی شناسی
- فرجام جهان
- انسان شناسی
- معاد
- **نتیجه گیری**
- از نکات پیش گفته چنین بدست آمد که علم کلام شیعی علمی است که به تبیین آموزه های اعتقادی، تدوین و پاسخ شبهات آن با منابع خاص خود (کتاب، سنت نبوی و ولوی، عقل) می پردازد. موضوع آن عام بوده و شامل تمام آموزه های اعتقادی می شود که برگشت همه آنها به وجود، صفات و افعال خدا (اعم از فعل گفتاری یا تکوینی) است. در این مقاله بر خلاف برخی از ادعاها مبنی بر ابداع تشیع در زمان های متأخر از عصر رسالت، روشن شد که خاستگاه کلام شیعی از آغاز دعوت

اسلام توسط پیامبر (ص) با حدیث معروف به «حدیث الدار» شروع و توسط احادیث امامان استمرار داشته است. هدف کلام شیعی افزون بر تبیین آموزه‌های اعتقادی اسلام تبیین و دفاع از مبانی و آموزه‌های خاص تشیع یعنی «اصل امامت» است. ضرورت کلام شیعی در مواجهه با چالش‌های بیرونی (منکران کلام) و درونی (قایلان به روش و منبع خاص)، و پاسخ به شبهات متوجه بر اصل دین و تشیع، با ادبیات و فضای ذهنی مخاطبان بیش از پیش مشخص می‌شود. کلام شیعی با روش ترکیبی (نقلی، عقلی، جدلی، تجربی، شهودی و فطری) و با استناد به قواعد متعدد کلامی به تبیین آموزه‌های اعتقادی دین و مذهب می‌پردازد.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه/رساله: این مقاله برگرفته از پایان نامه/رساله نبوده است.

منابع

- ابن خلدون (۱۳۷۵) مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، هشتم.
- ابن نوبخت، ابو اسحاق ابراهیم (۱۴۱۳ ق) الياقوت فی علم الکلام، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
- ابن تیمیه (۱۹۹۳ م) الرد علی المنطقیین، دارالفکر اللبنانی، بیروت.
- استرآبادی، محمدامین (بی تا) الفوائد المدنیة، دار النشر لأهل البيت، بی جا.
- اشعری، ابو الحسن (۱۹۵۲ م) رساله فی استحسان الخوض فی الکلام، بیروت.
- اوجبی، علی، (۱۳۹۶) کلام جدید در گذر اندیشه ها، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- آمدی، سیف الدین (۲۰۰۳ م) ابکار الافکار فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۹ ق) شرح المقاصد، انتشارات شریف رضی، قم.
- جبرئیلی، محمد صفر (۱۳۸۴) عوامل و زمینه های پیدایی، مجله قبسات، شماره ۳۸.
- جرجانی، سید شریف (۱۴۱۵ ق) شرح المواقف، انتشارات الشریف الرضی، قم.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۴۱۷ ق) التعریفات، دار الکتاب العربی، بیروت.
- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۷۸) تسنیم، ج ۱، اسراء، قم.
- جهانگیری، محسن (۱۳۶۷) پیدایش علم کلام و منزلت آن در میان علوم، مجله معارف، شماره ۱۵.
- جیمز، ویلیام (۱۳۶۷) دین و روان، ترجمه مهدی قائنی، دارالفکر، قم.
- حلبی، ابوصلاح (۱۳۶۳) تقریب المعارف، تحقیق رضا استادی، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳) انوار الملکوت فی شرح الياقوت، انتشارات شریف رضی، قم.
- حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، کشف المراد، نشر مصطفوی، قم.
- حمصی رازی، سدید الدین (۱۴۱۲ ق)، المتقذ من التقليد، انتشارات اسلامی، قم.
- خواجویی، محمد اسماعیل (۱۴۲۸ ق)، جامع الشتات، نشر دلیل ما، قم.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۵) القواعد الکلامیه، موسسه امام صادق (ع) قم.

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵) در قلمرو وجدان، انتشارات سروش، تهران.
- سید مرتضی (۱۴۱۱ ق) الذخیره فی علم الکلام، انتشارات اسلامی، قم.
- سیدان، سید جعفر، مکتب تفکیک و تمایزات آن با فلسفه و عرفان، مجله سمات، شماره ۲.
- شبلی نعمانی (۱۳۲۹) کلام جدید، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ سینا، تهران.
- شهرستانی، عبد الکریم (۱۳۶۴) الملل و النحل، شریف رضی، قم.
- شهید ثانی (۱۴۰۹ ق) حقائق ایمان مع رسالتی الاقتصاد و العدالة، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
- شیخ مفید (۱۴۱۳ ق) تصحیح اعتقادات الإمامیه، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، قم.
- شیخ کلینی (۱۳۶۵) الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- شیخ صدوق (۱۴۱۷ ق) الاعتقادات فی دین الامامیه، موسسه بعثت، قم.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ ق) الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، نشر فرهنگ اسلامی، ایران- قم.
- صدر المتألهین (۱۴۱۹ ق) الأسفار العقلیه الأربعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی، بیروت.
- شیخ طوسی (۱۴۰۶ ق) الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، دار الأضواء، بیروت.
- عبد الجبار، قاضی (۱۳۸۴ ق) شرح الاصول الخمسه، وهبه، مصر.
- عبد الرزاق، مصطفی (۱۳۶۳ ق) تمهید لتاریخ الفلسفه الاسلامیه، قاهره، چاپ دوم.
- بغدادی، عبد القاهر (۲۰۰۳ م) کتاب اصول الايمان، دار و مکتبه الهلال، بیروت.
- غزالی، محمد (۱۴۰۹ ق) الأربعین فی اصول الدین، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- فخر رازی (۱۴۲۰ ق) التفسیر الکبیر، مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- فرامرز قراملکی، احد، هندسه معرفتی کلام جدید، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- فروغی، محمد علی (۱۳۶۰) سیر حکمت در اروپا، زوار، تهران.
- قدردان قراملکی، محمد حسن (۱۳۷۵) اصل علیت در فلسفه و کلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

- _____ (۱۳۸۶) خدا در
حکمت و شریعت، پژوهشگاه فرهنگ و
اندیشه اسلامی، تهران.
- _____ (۱۳۸۳)، کتاب
کلام فلسفی، وثوق، قم.
- _____ (۱۳۹۶) قاعده
الواحد از دیدگاه متکلمان، پژوهشگاه
فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- لاهیجی، فیاض (بی تا) شوارق الالهام ،
چاپ سنگی، انتشارات مهدوی،
اصفهان.
- لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۶۲) سرمایه
ایمان، انتشارات الزهراء، تهران.
- محمد صفر جبریلی، فلسفه علم کلام،
قبسات، بهار ۱۳۸۵، شماره ۳۹ و ۴۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵) مجموعه آثار،
ج ۳، صدرا، تهران.
- _____ (۱۳۷۵) مجموعه آثار، ج
۶، صدرا، تهران.
- نصیری، علی (۱۳۸۶) رابطه متقابل کتاب
و سنت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
اسلامی، تهران.
- الهی بخش، خادم حسین (۱۴۰۹ ق) کتاب
القرآنیون و شبهاتهم حول السنّه، مکتبه
الصدیق، طائف.